

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به مثابه قدرت نرم

حسین رحمانی تیرکلایی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷

چکیده:

قدرت نرم امروزه به یکی از مطلوبیت های نظام های سیاسی در عرصه روابط بین الملل تبدیل شده است و بازیگران محیط بین المللی خواهان آن هستند که با بهره گیری از چهره نرم افزاری قدرت در مناسبات خویش، میزان اعتبار و نفوذ خویش را ارتقاء بخشند. بهره برداری از قدرت نرم، آنان را قادر می سازد از تلفات مالی و جانی ناشی از کاربست قدرت سخت دوری جویند و به این طریق، اذهان و افکار عمومی بین المللی را با خویش همراه سازند. کشورهایی که از مؤلفه های نرم افزاری قدرت بیشتری برخوردار باشند امکان تأثیرگذاری بیشتری در روابط دو یا چندجانبه دارند. این پژوهش با طرح این سؤال که دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد قدرت نرم چگونه قابل تحلیل است به این پاسخ رسیده است که ترویج ارزش های انقلاب اسلامی از مسیر دیپلماسی فرهنگی یکی از اهداف اساسی انقلاب و زمینه قدرت نرم آن است. برای تبیین مسئله و پاسخ به این سوال از نظریه قدرت نرم بهره گیری و عنوان شد که ارزش ها و فرهنگ انقلاب اسلامی با ویژگی های جهان شمولی همچون عدالت خواهی، آزادی خواهی، استقلال طلبی، استکبار و ظلم ستیزی، دفاع از مظلومان و مستضعفان، و... از طریق ابزارهای مختلف دیپلماسی فرهنگی مانند دیپلماسی: رسانه ای، علمی، آموزشی، هنری، گردشگری، مذهبی و زبانی؛ و با استفاده از ظرفیت سازمان ها، ارگان ها و نهادهای مختلف متولی امر فرهنگ؛ و بهره مندی از نیروی انسانی کارآمد؛ در صدد ایجاد نظم نوین می باشد.

واژگان اصلی: دیپلماسی فرهنگی، قدرت نرم، روابط بین الملل، انقلاب اسلامی ایران.

مقدمه

دیپلماسی فرهنگی در حوزه اجرا نیازمند ابزارها و مؤلفه هایی است که شامل: موافقت نامه های فرهنگی میان کشورها، همکاری ها و مبادلات فرهنگی، جهانگردی و صنعت توریسم، مراکز علمی و فرهنگی داخلی و خارجی، شخصیت ها و چهره های شاخص علمی، فرهنگی و هنری بین المللی، مبلغان مذهبی و دینی، صادرات و واردات کالاها و خدمات فرهنگی، حضور رسانه های قدرتمند در فضای مجازی به ویژه اینترنت، شبکه های ماهواره ای و نشر مکتوب و در نهایت وجود سازمان های بین المللی فرهنگی که همگی آن ها در روابط بین الملل و در بُعد قدرت نرم اهمیت دارد.

دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، عبارت است از تلاش و کوشش و اقدامات از پیش طراحی شده و سازمان یافته، برای تأثیرگذاری بر برداشت ها، ادراکات، افکار، انگاره ها، ایده آل ها، ارزش ها، ایستارها و باورهای ملت ها و کشورهای دیگر از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایران و انقلاب اسلامی و شناخت و درک واقعی از فرهنگ ها و تمدن های دیگر به منظور تأمین و توسعه منافع ملی.

تصویرسازی از ایرانی پیشرفته و تحول خواه در عرصه های علم و سیاست و فرهنگ به گونه ای که تبلیغ سنت ها، باورها، ایستارها، تاریخ، پیشرفت های علمی، فرهنگ عمومی و سبک زندگی ایرانیان برای سایر ملل ذیل آن تعریف می شود.

این پژوهش به اهمیت و اهداف دیپلماسی فرهنگی، جایگاه قدرت نرم در دیپلماسی فرهنگی کشورها، مولفه ها و عناصر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای ارتقای آن می پردازد.

چارچوب نظری

در عصر جهانی شدن که بسیاری از مرزهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نوردیده شده است، مباحث فرهنگی همچنان با حفظ جایگاه برجسته خود در کانون توجه اندیشمندان و صاحب نظران این حوزه قرار دارند. لذا برای ورود به عرصه جهانی، الزاماً باید محیط سه گانه فرهنگی خود را که شامل فرهنگ دینی، ملی و جهانی است، کاملاً شناخت؛ چرا که بدون شناخت مفاهیم، اندیشه ها و نظریه های فرهنگی متنوع و گسترده در جهان امروز، نمی توان تحولات فرهنگی را به نحوی منطقی و واقع بینانه درک کرد. (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸: ۲۵)

برای مدت ها مطالعه سیاست بین الملل تحت تأثیر رئالیسم، باعث کم توجهی به ابعاد فرهنگی و

هنجاری الگوهای رفتاری بازیگران شده است. تجزیه و تحلیل رویدادهای بین المللی از زوایای امنیتی، سیاسی و اقتصادی عمال فضای اندکی را برای توجه به بخش های فرهنگی باقی گذارده است. گرچه به ظاهر دولت ها براساس وجود منافع متعارض به صف آرایی در مقابل یکدیگر پرداخته، ولی در اکثر مواقع عمال برداشت ها، شناخت ها و ارزیابی هایشان نشأت گرفته از یک سلسله ارزش ها، هنجارها، نمادها و اعتقادات می باشند؛ با وجود آنکه توجه اندکی به ابعاد فرهنگی الگوهای رفتاری می شود؛ لکن این غفلت به معنای آن نیست که اعمال و عکس العمل های بازیگران از عوامل فرهنگی نشأت نگیرند. در حقیقت نظریه روابط بین الملل عمدتاً به اسطوره ها، فرهنگ و ایدئولوژی متکی است. در روابط بین الملل تفاوت های میان مادی گرایان و رفتارگرایان در این است که مادی گرایان اول برای شرایط مادی احترام قائل هستند و می کوشند نشان دهند که این شرایط عمدتاً تحت تأثیر منافع است؛ اما سازه انگاران در روابط بین الملل به دنبال بازگرداندن فرهنگ و سیاست های داخلی به عرصه نظریه روابط بین الملل هستند. در واقع یکی از مختصات عمده سازه انگاری، توجه به ساختار فرهنگی و هنجاری در کنار عناصر مادی است. (Wendt, 1999: 220)

سازه انگاری رویکردی است که پیش از طرح در جامعه بین الملل در جامعه شناسی مطرح بوده است. از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه انگاری به یکی از تئوری های اصلی روابط بین الملل تبدیل شده است.

این رویکرد بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می کند، که همه کنش های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند و این معنا سازی است که به واقعات جهانی شکل می دهد. در چارچوب نظری سازه انگاری، هویت ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست های جهانی ایفا می کنند. هویت ها و منافع دولت ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها ایجاد می شود و این "فرایند" است که موضوع تعامل دولت ها را مشخص می نماید.

سازه انگاری به این جریان می پردازد که چگونه هویت ها و هنجارهای اجتماعی مردم می توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد و روابط میان دولت ها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند.

در سازه انگاری از آن جا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می شود و روابط دولت ها با هم بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. هویت یک امر رابطه ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت های بین الملل کارگزاران بر اثر جامعه پذیری درون جامعه بین الملل

حاصل می‌شود.

نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد نیز مهم می‌باشد در زمینه تاکید بر هنجارها با نظریات لیبرال اشتراک دارند اما تفاوت محسوسی که با لیبرال‌ها دارند اینست که لیبرالها بر جنبه تنظیمی هنجارها تاکید دارند در حالی که سازه‌انگارها علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی آنها نیز توجه می‌کنند و بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرایندهای مانند تعاملات بوجود می‌آیند.

طیف وسیعی از نظریات سازه‌انگاری از نوع متعارف آن تا رادیکال باعث شده است تا عملیاتی کردن این نظریه مشکلات خاص خود را داشته باشد. اما با این حال سه مورد کلی را اندیشمندان این رویکرد به عنوان گزاره‌های اصلی سازه‌انگاری پذیرفته‌اند.

این سه مورد شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱- ساختارهای هنجاری و فکری به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌باشند.
 - ۲- هویت‌ها و هنجارها در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها نقش تعیین‌کننده دارند.
 - ۳- ساختار و کارگزار متقابلاً به هم شکل می‌دهند.
- علاوه بر آن اندیشمندان مختلف رهیافت سازه‌انگاری تقسیم‌بندی‌های از تئوری سازه‌انگاری و مفروضه‌های آن بیان نموده‌اند

واینز مهمترین متغیرهای رویکرد سازه‌انگاری را بدین عبارت بیان می‌نماید:

- ۱- نظام بین‌الملل هم به عوامل مادی مربوط می‌شود و هم به عوامل فکری و هنجاری
- ۲- خصایص دولت‌ها نتیجه تعاملات آنها می‌باشد و اینکه دولت‌ها دارای صفات از پیش تعیین شده نمی‌باشند.

۳- منافع و هویت‌ها مفروض و از پیش داده نمی‌باشند؛ بلکه نتیجه تعامل اجتماعی می‌باشند که در فرایندهای بین‌المللی در معرض تغییر می‌باشند.

تصمیم‌گیری در امور جهانی در سه سطح صورت می‌گیرد:

- ۱- نهادهای رسمی مثل رژیم‌های امنیتی
 - ۲- فرهنگ سیاسی جهانی
 - ۳- فاکتورهای انگاره‌ای از جمله الگوهای دوستی و دشمنی، روابط سیاسی میان کشورها.
- سازه‌انگاری ابتدا بیشتر با نام الکساندر ونت شناخته می‌شد ولی بدنبال ناتوانی تئوری‌های سنتی در پیش‌بینی تحولات جهانی، توسط اندیشمندان دیگر رشد و گسترش یافت و در حال حاضر یکی از

تئوری های غالب در روابط بین الملل می باشد. از اندیشمندان برجسته سازه انگاری در روابط بین الملل می توان به استفان وارینگ، میچل بارت، نیکلاس اونف، کاتزنساین، راگی، ویور، چکل و انتونی کلارک اشاره کرد.

چکل این رهیافت را به سه دسته هویتی، تفسیری و رادیکال / انتقادی تقسیم می کند. سازه انگاری هویتی که مکتب حاکم در ایالات متحده می باشد به بررسی نقش هنجارها و در موارد کمتری به جایگاه هویت ها در شکل گیری نتایج سیاست بین الملل می پردازد. اندیشمندان این دسته از لحاظ معرفت شناسی پوزیتیویست اند که بیشتر به تاثیر یک پدیده بر پدیده دیگر می پردازد. سازه انگاری تفسیری که عمومیت بیشتری در اروپا دارد به بررسی نقش زبان در ساخت واقعیت اجتماعی می پردازد که از لحاظ معرفت شناسی پست- پوزیتیویست می باشند. سازه گرایی رادیکال / انتقادی از کانون های زبان شناختی حمایت و پشتیبانی می کند. اما با تاکید بر بازتولید هویت ها دارای یک بعد هنجاری صریحی است. هر دو سازه انگاران تفسیری و رادیکال / انتقادی، منابع اساسی تئوریکشان به رهیافت زبانشناختی ویتگنشتاین بر می گردد و در تحلیل هایشان با تأکیدی که بر گفتمان های فکری و معرفتی و بازی های زبانی دارند در جرگه پست مدرن ها قرار می گیرند.

این رهیافت اعتقاد دارد که سیاست بین الملل در قالب جامعه بین الملل شکل می گیرد، (۴) این جامعه بر اساس هنجارها و قواعد خاصی قرار دارد و این هنجارها و قواعدند که بر اساس آن منافع را شکل می دهند و هنجارها دلیل عقلانی رفتار بهتر دولت ها را فراهم می نمایند.

این رویکرد صرفاً بر شرایط و نیروهای مادی تکیه نکرده، بلکه اولویت اصلی را به انگاره ها و اندیشه ها می دهد و تمرکز اصلی شان بر روی اعتقادات بین الاذهانی که در سطح گسترده میان مردمان جهانی مشترک اند، قرار می دهند. منافع و هویت های انسانها از طریق همان اعتقادات مشترک شکل گرفته و تبیین می شوند.

در چارچوب تحلیل سازه انگاری نمی توان سیاست بین الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتار های عقلایی و در چارچوب های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین الملل تقلیل داد زیرا تعاملات دولت ها بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده، شکل نگرفته است. بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت ها شکل می یابند (۵) و یا باعث تشکیل هویت می شوند.

سازه انگاری اجتماعی مدلی از تعاملات بین المللی را ارائه می دهد که طی آن مساعی لازم را به عمل می آورد تا تاثیر هنجاری ساختار های نهادی بنیادی را بررسی کرده و ارتباط میان دگرگونی های

هنجاری، هویت و منافع دولت‌ها را مشخص نماید. از آنجا که هویت دولت‌ها به زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد بنابراین در وضعیت متغیر به سر می‌برند، منافع مانند هویت‌ها از طریق عملکردهای اجتماعی حاصل می‌شود.

برای اطمینان از یک سطح قابل پیش‌بینی و نظم در سیاست بین‌الملل و نیز جامعه داخلی، هویت یک امر ضروری به حساب می‌آید. سازه‌گرایان بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تأکید دارند و کانون توجه آنان آگاهی بشری و نقشی است که این آگاهی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند. در این رویکرد ساختار و کارگزار به شکلی متقابل بر هم تأثیر می‌گذارند. ساختار جدا از رویه‌های کنشگران وجود ندارد (Onuf, 1989: 290)

به بیان دیگر، این هویت‌های متفاوت و متحول هستند که به منافع و رفتارهای کنشگران شکل می‌دهند. (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۵-۱۲۴) بعبارت دیگر، هویت دولت‌ها ثابت و لایتغیر نیست و بلکه هویت آنها تابعی از فهم مشترک، شناخت، رویه‌های حاصل از تعاملات، هنجارها و قواعد است و این هویت متغیر دولت‌ها است که منافع و رفتار آنها را شکل می‌دهد. بنابراین سیاست هویت که خود موضوعی کاملاً فرهنگی است اهمیت اساسی در تحلیل و فهم رفتارها و تعاملات بین‌المللی دارد. (Smith, 2001:244) آنچه در این جا به بحث ما بیشتر مربوط می‌شود تأثیر عوامل فرهنگی در شکل دادن هویت‌ها، منافع و رفتارها است که در قالب نظریه سازه‌انگاری قابل تبیین می‌باشد؛ (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۴)

اندیشمندان این نظریه، سعی دارند تا میان مختصات داخلی هر جامعه و مختصات صحنه‌های جهانی مشترکاتی را به عنوان معیار در نظر گرفته و در کنار ساختارهای فرهنگی و هنجاری، عناصر مادی را مورد توجه قرار دهند. آنها دو الگوواره را مطرح می‌کنند: الف - محیطی که دولت‌ها به کنش دست می‌زنند، هم مادی است و هم ارزشی ب- محیطی می‌تواند بر مفهوم منافع دولت تأثیرها گذار باشد، یعنی در شکل بندی دهی و ساخت دولت‌ها اثر بگذارد؛ لذا در این نظریه به بازگرداندن فرهنگ بر سیاست‌های داخلی و روابط بین‌الملل توجه شده است. بر اساس این رویکرد، عملکردهای اجتماعی که موجب تشکیل هویت در داخل شده، باعث می‌گردد بر هویت، منافع و رفتار دولت در خدراج تأثیر بگذارد و در نتیجه هویت دولت در سیاست جهانی مشخص گردد. در این صورت نه تنها در این فضا هویت جدیدی ترسیم خواهد شد بلکه منافع جدیدی نیز در رابطه با همان هویت متولد می‌شود. با توجه به تأکید بر روی هویت فرهنگ از مهمترین شاخص‌های تأثیرگذار در عرصه

بدین المللی است که به واسطه تسلط نظریه های خردگرایی مورد غفلت قرار گرفته است.

پیرامون نظریه سازه انگاری باید اذعان کرد که اولاً دولت ها تنها بازیگران مؤثر در روابط بین الملل نیستند. ثانیاً هویت آنها ثابت و لایتغیر نیست و بلکه هویت آنها تابعی از فهم مشترک، شناخت، رویه های حاصل از تعاملات، هنجارها و قواعد است و ثانیاً این هویت متغیر دولت ها است که منافع و رفتار آن ها را شکل می دهد. بنابراین سیاست هویت که خود موضوعی کاملاً فرهنگی است. اهمیت اساسی در تحلیل و فهم رفتارها و تعاملات بین المللی دارد. به هر حال تبیین نظریه سازه انگاری می تواند کمک موثری به توضیح نقش فرهنگ و ارتباطات فرهنگی و همچنین هویت سازی در عرصه روابط منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام نماید. در چارچوب نظریه سازه انگاری، دیپلماسی فرهنگی در یک چارچوب خاص تئوریک مطرح می شود و آن جهان میان فرهنگی است که لازمه آن فهم جهانی فرهنگ هاست. (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۹۹) در تعریف ژوزف نای قدرت نرم عبارت است از «توانایی یک دولت در رسیدن به اهداف مطلوب از طریق ایجاد جذب و کشش و نه با استفاده از قوه قهریه و زور» (او اعمال قدرت نرم را از طرقی همچون بسط و گسترش روابط با متحدان و تعاملات فرهنگی میسر می داند). (حسن خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۵-۱۴۸)

در مجموع، تبادل فرهنگ ها امری ضروری و تقریباً غیرقابل اجتناب به نظر می رسد. عدم توجه به پیامدها و عارضه های آن، جوامع مختلف را تحت تاثیر قرار داده است. بهترین راه رسیدن به صلح جهانی تبادل فرهنگی است و بهترین راه تبادل فرهنگی تبادل اندیشه هاست، تبادلی رودررو و بدون واسطه نه از طریق رسانه ها و ابزارهای دیگر، چرا که رفتار انسان از اندیشه ها و فکر نشأت گرفته و با همین رویکرد جامعه شکل می گیرد. بنابراین، ابتدا باید اندیشه ها و منشور ارزش ها را بازشناخت. در واقع، تبادل فرهنگی که همان ارتباط منطقی و درست فرهنگ هاست، می تواند در پیشرفت ارزش های انسانی و به سازی زندگی بشر سودمند افتد. براین اساس، باید از تبادل فرهنگی استقبال کرد. البته باید توجه داشت که خودباوری، اعتماد به نفس، شناخت و ایمان به ارزش های انسانی و الهی فرهنگ خودی، پیش شرط پیروزی در عرصه تبادل فرهنگی است. (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۹۷)

در کنار ایالات متحده آمریکا، بسیاری از کشورهای دیگر نیز تأکید بر نقش دیپلماسی فرهنگی را قسمتی از راهکار کلان خود در طراحی سیاست خارجی خود می دانند. نکته جالب توجه اینکه حتی برخی کشورهای جهان سوم نیز از پدیده اطلاعات و نوعی دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی خود استفاده می کند و در بسیاری از موارد این حربه علیه غرب به طور عام و علیه

ایالات متحده آمریکا به طور خاص استفاده شده و از کارایی و بازدهی بالایی نیز برخوردار بوده است؛ با این همه، کشورهای مطرحی نظیر بریتانیا، فرانسه، آلمان، اتریش، استرالیا، کانادا، ژاپن، چین و جمهوری اسلامی ایران در زمره کشورهای قرار دارند که جایگاه مخصوصی را در حوزه دیپلماسی فرهنگی به خود اختصاص داده اند. در اینجا جایگاه فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی این کشورها با استناد به تعاریفی که در متون منتشرشده از وزارتخانه های امور خارجه این کشورها از آنها استفاده شده است، به طور تطبیقی و به صورت بسیار کوتاه و موجز ارائه شود: از دیدگاه وزارت امور خارجه فرانسه، این کشور همواره یک التزام تاریخی و پایدار نسبت به ترویج فرهنگ فرانسوی به عنوان یکی از عوامل مهم در سیاست خارجی خود داشته است. گفتگو و مناظره در حوزه تعاملات فرهنگی با کشورهای اروپایی به طور خاص و با سایر کشورهای جهان به طور عام، از مؤلفه های اصلی دیپلماسی فرهنگی فرانسه محسوب می شود. از دید کانادایی ها سیاست خارجی این کشور بر سه ستون سیاست، اقتصاد و فرهنگ استوار شده است. (حسن خان محمدی، ۱۳۸۴: ۱۶۸-۱۳۵)

خصیصه های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

یکی از شاخص های قدرت ملی ج.ا. ایران را می توان بهره گیری از قدرت نرم دانست. قدرت نرم زیرساخت های لازم برای تولید امنیت نرم را به وجود می آورد. این الگو، بیشترین تهدیدهای امنیتی برای جهان غرب را ایجاد خواهد کرد؛ زیرا ماهیت کم شدت داشته، اما از گستره فراگیری برخوردار می باشد. به هر میزان که قدرت سازی ماهیت کم شدت داشته، اما از گستره فراگیری برخوردار می باشد. به هر میزان که قدرت سازی ماهیت مرحله ای و کم شدت بیشتری داشته باشد، طبیعی است که نتایج تاثیرگذار فراگیری را به وجود خواهد آورد. از آنجا که تهدیدهای امنیت ملی ایران متنوع و چندجانبه است، گفتمان امنیت ملی باید براساس شاخص هایی سازماندهی شود که ماهیت نرم افزاری داشته باشند و براساس قالب های هویتی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران سازماندهی شود. ایران می تواند از رهیافت سازه انگاران برای تبیین چگونگی مقابله با تهدیدها و همچنین گفتمان سازی امنیت ملی استفاده شود. چنین رهیافتی می تواند زمینه های لازم برای بهره گیری از گفتمان قدرت نرم برای خشتی سازی و مقابله با تهدیدها را به وجود آورد. براساس چنین ادراکی است که به موازات تولید قدرت نرم، زمینه های شکل گیری تهدیدهای امنیتی نیز برای تمامی کشورها اجتناب ناپذیر است. به عبارت دیگر، هرگاه فرایندی شکل گیرد که مبتنی بر جلوه هایی از قدرت نرم بازیگران باشد، امکان ظهور تهدیدهای

متقابل و متوازن نیز وجود خواهد داشت.

به این ترتیب، باید بین مولفه هایی مانند قدرت نرم و تهدیدهای فراروی تمامی کشورها جلوه هایی از توازن مفهومی و کارکردی وجود داشته باشد. در این ارتباط، تهدیدهایی نیز در برابر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران شکل می گیرد. نشانه های تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را می توان در اقدام های مربوط به گروه های ضدساختاری، کشورهای معارض منطقه ای و قدرت های بزرگ دانست. گفتنی است که براساس شاخص های تهدید شوخه ای، سطوح مختلف تهدید در مقابله با شکل بندی های ساختاری جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده و در نتیجه، زمینه های لازم برای تولید گفتمان امنیت ملی براساس شاخص های نرم افزاری را فراهم نموده است. این روند را می توان در ارتباط با گروه های مختلف تهدید کننده مورد توجه قرار داد. گفتمان قدرت نرم برای امنیت سازی را می توان در مقاطع مختلف به ویژه در زمان مقابله با تهدیدهای شکل گرفته از سوی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار داد. هر نشانه ای از قدرت نرم باید دارای انعکاس اجتماعی، سیاسی و منطقه ای باشد. به طور کلی باید نشانه هایی را مورد توجه قرار داد که براساس قالب های گفتمانی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و آثار خود می تواند در محیط منطقه ای منعکس سازد. هر نشانه قدرت نرم را باید در زیرساخت های فرهنگی و ایدئولوژیک انقلاب ایران مورد بررسی قرار داد؛ نشانه هایی که می توانند آثار و پیامد خود را در سایر تحولات منطقه ای به ویژه جنبش های اجتماعی منعکس سازند. (متقی و رشاد، ۱۳۹۰: ۱۰-۹)

جمهوری اسلامی ایران با بهره ارزش شاخص ارزش های اسلامی و دینی خود توانسته است تا در عرصه های مذهبی و ارتباطات دینی تا حد قابل توجهی موفق باشد. ایران بر مبنای آموزه های اسلامی و تشیع علوی و همچنین فرهنگ غنی ایرانی، با ملت های دنیا و مستضعفان جهان ارتباط برقرار کرده و از آنها حمایت کرده است. امروز بیشترین مقاومت در برابر فرهنگ غربی و سیاست های غرب از جانب افراد، گروه ها و دولت هایی است که بنا به آموزه های انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته اند. حزب الله لبنان یک نمونه از این تشکل ها و ارزش های اسلامی است. مبارزه با استکبار و سلطه جویی غرب و حمایت از مستضعفان جهان از اهداف اساسی است که جمهوری اسلامی به آن توجه داشته است. در قانون اساسی نیز بر این امر تاکید شده است. در فرهنگ ایرانی نیز بر تقابل با مستکبر و ظالم تاکید فراوان شده است که بنا به آموزه های انقلاب اسلامی شکل گرفته و فعالیت می کند.

عناصر فرهنگی ج.ا.ا در عرصه جهانی

جمهوری اسلامی ایران در دوران پس از انقلاب آرمان‌های بسیاری را به ادبیات سیاسی افزود اما تحولات نشان داده اند که این گفتمان‌ها علاوه بر دستاوردهای خود هر کدام دارای نقیصه جدی هستند که نیازمند بازنگری هستند. هر یک از دولت‌های پس از انقلاب خرده گفتمان‌هایی را در عرصه سیاست خارجی و سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی مطرح کردند اما همواره دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از یک دکترین نظام مند که با آمد و شد دولت‌ها دستخوش تغییرات نشود، بهره مند نبوده است.

شهادت‌گرایی از مفاهیمی است که با فرهنگ ایرانیان پیوند ناگسستنی یافته است. پ از انقلاب اسلامی و دوران جنگ تحمیلی شهادت‌طلبی در قالب فرهنگ استقامت، سلحشوری و فداکاری تجلی یافت. شهادت‌طلبی در مکتب تشیع و عاشورای حسینی جایگاه عظیمی یافته است و در دوره‌های مختلف بازتولید شده است.

مبارزه با استکبار و سلطه جویی غرب و حمایت از مستضعفان جهان از اهداف اساسی است که جمهوری اسلامی به آن توجه داشته است. در قانون اساسی نیز بر این امر تاکید شده است. در فرهنگ ایرانی نیز بر تقابل با مستکبر و ظالم تاکید فراوان شده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۵۰)

الف) اشاعه فرهنگ مردم سالاری دینی:

رهبر انقلاب نیز علیرغم نفوذ فوق‌العاده خود و اینکه تمام تصمیماتش به خاطر برخورداری از اعتماد عمومی با اقبال مردم مواجه می‌شد معهلاً به نکته مهم فوق توجه داشت و در هر گامی که در ساخت بنیادهای نظام برداشته می‌شد مشارکت مردم را دخالت می‌داد به همین دلیل در اولین گام، نوع نظام را به آرای عمومی ارجاع داد که بیش از ۹۸٪ مردم، تشکیل نظام جمهوری اسلامی را مورد تایید قرار دادند و با انتخاب نمایندگان خود در مجلس خبرگان قانون اساسی و نهایتاً تایید آن قانون با آرای مستقیم خود، مهر تایید بر قانون اساسی زدند. قانونی که اصل حاکمیت خداوند بر پایه مکتب اسلام را سرلوحه همه امور جامعه قرار داده بود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی در عین توجه لازم به منشا حاکمیت الهی نظام، به نقش مردم در تعیین رهبران و نمایندگان و دولت مردان این نظام توجه فوق‌العاده‌ای نموده است به طوری که همه مسئولین نظام، از رهبر تا شوراهای اسلامی شهرها و روستاها، با رای مستقیم و یا غیرمستقیم مردم انتخاب می‌شوند

و در واقع می‌توان گفت جمهوری اسلامی از این لحاظ مردمی‌ترین و دموکراتیک‌ترین نظام معاصر می‌باشد. در طول ۲۲ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، ملت ایران به طور متوسط هر سال یک مرتبه در انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شورای اسلامی شهر و روستا و... بیانگر نقش انکارناپذیر مردم در تعیین سرنوشت خود می‌باشد.

ب) ترویج فرهنگ استقلال خواهی:

بسیاری از آموزه‌ها و تعالیم اسلامی به صورت مستقیم غیرمستقیم با مسأله مهم «امنیت» در ارتباط است. روشن شد که اصل «استقلال فرهنگی-اجتماعی» که خود از مبنای «زندگی اجتماعی انسان» نشأت گرفته است، مؤلفه‌هایی دارد با عنوان «استقلال طلبی و اجتناب از وابستگی» و «عزت طلبی و ذلت‌گریزی». خداوند در یکی از مهم‌ترین آیات قرآن کریم که با عنوان «قاعده نفی سبیل» شناخته می‌شود، استقلال جامعه ایمانی را در برابر دشمنان امری ضروری دانسته و هر گونه ارتباطی که به این استقلال بخواهد ضرر وارد سازد، ممنوع ساخته است. علاوه بر این، آیات دیگری نیز به این مسأله اشاره دارد که ذکر آنها گذشت. همچنین از منظر قرآن کریم این دو مؤلفه می‌تواند در ضمن شاخص‌هایی چند تجلی پیدا کند که به ترتیب عبارتند از: «پرهیز از استبداد و اجبار» و «ظلم ستیزی».

ج) تقویت فرهنگ تجددطلبی اسلامی

انقلاب اسلامی توانست با احیای طبقات متوسط جدید اجتماعی که در صدد بازسازی اندیشه‌های امام خمینی، علامه طباطبایی، دکتر شریعتی و شهید مطهری برآمده بودند بر لایه‌ها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی کشورهای جهان سوم تأثیر گذارد. با توجه به ماهیت صلح‌طلبانه و آرام انقلاب اسلامی که با تظاهراتی مسالمت‌آمیز و غیر مسلحانه به پیروزی رسیده بود و با عنایت به آمادگی نخبگان فکری جهان اسلام برای پذیرش افکار و ایده‌های اسلام‌گرایانه، نوعی روشنفکری دینی شکل گرفت که به شیوه‌های تبلیغی و روشنگری فکری به جای مبارزات مسلحانه و چریکی توسل می‌جست. این مهم موجب ورود به عصر مبارزات مستمر و مسالمت‌آمیز مردمی و روی آوردن نخبگان مسلمان به راه‌ها و حرکت‌های اصلاح‌طلبانه براساس نوسازی و بازسازی تفکر دینی گردید. چنین جنبش‌های اصلاح‌طلب دینی در کشورهایی مانند پاکستان، ترکیه، بحرین، الجزایر و مراکش تجلی یافت. نهادهای جامعه مدنی اسلامی در کشورهای مسلمان ضمن تأکید بر ضرورت بازاندیشی مداوم،

روش جدیدی از اندیشگی و تأمل را براساس تلفیق جمهوریت و اسلامیت پایه گذاری کردند که بر الگوهای بومی و هنجارهای اجتماعی جوامع آنان مبتنی بود. این مهم موجب افزایش آگاهی تدریجی و قرار گرفتن نیروهای پنهان، زنده و فعال در مسیر تجددطلبی اسلامی گردید.

ظهور متفکران و روشنفکران جدید مسلمان در کشورهای اسلامی طبقه متوسط جدیدی را به ارمغان آورد که با افتخار به هویت مستقل اسلامی و بومی درصدد بیداری اسلامی در جوامع مسلمان برآمد و ضمن تأکید بر مشی مسالمت آمیز برای تحقق حاکمیت اسلامی براساس معیارهای دینی به بازسازی نقش خود در فعالیت های سیاسی پرداخت.

د) جهانی شدن اسلام در عرصه های حیات اجتماعی

انقلاب اسلامی ایران تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت. در عصری که می رفت عزت و شوکت اسلامی توسط استعمارگران و دشمنان اسلام پایمال گردد و اخلاق و ارزش های اسلامی به بوته‌ی فراموشی سپرده شود، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه‌الله به وقوع پیوست و فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی را به ارمغان آورد و بارقه‌ی امید در دل میلیون‌ها مسلمان در گوشه و کنار دنیا زنده کرد و باعث تجدید حیات اسلام و زنده شدن مجدد و عظمت دیرینه‌ی جهان اسلام گردید. (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۳۷-۱۳۱)

انقلاب اسلامی ایران تفاوت های گسترده ای با سایر انقلاب های دیگر دارد که بیشتر در ماهیت آن که دارای ارزش ها و اصول اسلامی است پایه گذاری شده است. انقلابی که داری ماهیت جهان شمول است که می تواند در عرصه دیپلماسی عمومی مورد توجه دولتمردان ایران در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و پیشرفت تکنولوژی در دستگاه سیاست خارجی باشد.

موقعیت ایدئولوژیک، مناسبات خارجی، مبادلات فرهنگی، ترویج زبان و ادبیات و کسب جایگاه و موقعیت علمی و اتخاذ مواضع دقیق و صریح در برخورد با تحولات و بحران های بین المللی را ایفا کند. انقلاب اسلامی ایران با بهره گیری از انقلابی جهان شمول و با جایگاهی ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک با بیان عدالت، صلح، هویت و جلوگیری از ظلم و ستم در اصول سیاست خارجی ایران در جهت ایجاد وحدت و همبستگی میان کشورهای اسلامی و سایر ملل دیگر می تواند نقش کلیدی و سازنده ای را در سطح بین المللی ایفا کند.

از نظر فرهنگی ایران در مرکزیت جهان اسلام قرار دارد به طوری که می تواند در روند تحولات

آینده جهان به ویژه در کشورهای خاورمیانه، حوزه تمدنی ایرانی اسلامی و میراث گرانبهای آن و گذشته افتخارآفرین این سرزمین، پیوند عمیق فرهنگی و فکری و جغرافیایی با کشورهای حاشیه خلیج فارس به وجود بیاورد که این نشان دهنده گسترش همکاری های دو جانبه و چند جانبه منطقه ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران است.

جمهوری اسلامی ایران با دیپلماسی فرهنگی می تواند به عنوان بازیگری قدرتمند و هوشمند در منطقه و نظام بین الملل محسوب شود. همچنین با بهره گیری از پتانسیل های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را استمرار و استحکام ببخشد و با عمق حوزه نفوذ و گستردگی قدرت نرم کشور تداوم و برای به رخ کشیدن توانمندیهایش از ابرقدرت های جهان پیشی بگیرد.

نتیجه گیری

مؤلفه های وضعیت مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اسناد بالادستی در سه محور ساختار، محتوا و اجرا عبارت اند از: ثبات در سیاستگذاری، حاکمیت قانون و ایجاد نهادهایی برای دیپلماسی فرهنگی، نفوذ فرهنگی، دیپلماسی فعال و پیش دستانه، تبلیغ اسلام عقلائی اخلاقی و صدور ارزش های انقلابی، تقویت هویت ملی و توسعه زبان فارسی، بهره مندی از روشهای رسمی و غیر رسمی، خرده بازیگران و ابزارهای نوین ارتباطی اولویت های ایران در دیپلماسی فرهنگی در قبال چین شامل تشکیل جبهه متحد در قبال بلوک های سلطه گر قدرت، حمایت از جبهه مستضعفین، صدور انقلاب اسلامی و طرح سه عنصر معنویت، اخلاق و عدالت در نظام بین المللی می باشد.

مؤلفه های وضعیت مناسب دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اسناد بالادستی در سه محور ساختار، محتوا و اجرا عبارت اسدت از: ثبات در سیاستگذاری، حاکمیت قانون و ایجاد نهادهایی برای دیپلماسی فرهنگی، نفوذ فرهنگی، دیپلماسی فعال و پیش دستانه، تبلیغ اسلام عقلائی اخلاقی و صدور ارزش های انقلابی، تقویت هویت ملی (ایران فرهنگی) و توسعه زبان فارسی، بهره مندی از روش های رسمی و غیر رسمی، خرده بازیگران و ابزارهای نوین ارتباطی

یکی از مسائلی که باید به آن توجه داشت مبحث برنامه ریزی است که فقدان برنامه ریزی بلندمدت از عوامل ناکارآمدی دیپلماسی فرهنگی در ایران است. سال های طولانی است که با روی کار آمدن دولت های مختلف دیپلماسی فرهنگی کشور نیز دستخوش تغییرات عمده گردید.

ایران دارای یک حوزه تمدنی تاریخی و پایدار است که از شرق افغانستان، پاکستان و هندوستان را در بر می گیرد. از حوزه غرب در ترکیه، کرستان عراق، عراق، سوریه و لبنان نفوذ دارد. از شمال بر روی

آذربایجان، تاجیکستان، ازبکستان نفوذ دارد و در جنوب بر کشورهای بحرین، یمن و عمان دارای این نفوذ است. با توجه به نفوذ تمدنی ایران تمرکز بر روی عناصر و نمادهای تمدنی این نفوذ از قبیل دین اسلام، هویت ایرانی و زبان فارسی بسیار تأثیرگذار است. ایران می‌تواند بر عناصر و نمادهای تمدن ایرانی هویت و نفوذ تمدنی خود را نسبت به کشورهای مختلف بازتولید کند. توسعه ضریب نفوذ اینترنت و افزایش سواد اطلاعاتی، آحاد بشر را در کره زمین به رسانه تبدیل کرده است و مفهوم مرزهای جغرافیایی به به معنای سخت افزاری آن رنگ باخته است. بر این اساس لازم است در تدوین وضعیت مناسب برای دیپلماسی فرهنگی کشور، به جنبه‌های نرم افزاری بیشتر توجه شود و از نقش بازیگران به ظاهر خرد و مستقل، اما در عمل تأثیرگذار، غفلت ننمود.

روش‌ها و سازوکارهایی را که به وسیله و در پرتو آنها جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از فرهنگ و قابلیت‌های فرهنگی خود در خدمت دیپلماسی فرهنگی بهره‌برداری کند را می‌توان در چارچوب زیر دسته بندی کرد:

۱. برجسته کردن نقش و تأثیر فرهیختگان و دانشمندان تاریخ گذشته و معاصر کشور.
۲. استفاده از ظرفیت‌های نهفته در زبان و ادبیات کشور و ترویج آن از طریق تأسیس رشته زبان و ادبیات کشور در سطح جهان.
۳. حضور مؤثر در مجامع و همایش‌های بین‌المللی در کنار شرکت فعال در رخدادها و جشنواره‌های هنری و ورزشی بین‌المللی.
۴. تأکید ویژه بر ارائه آموزش‌های خاص فرهنگی به دیپلمات‌ها و تربیت دیپلمات‌هایی فرهیخته و آشنا با نقاط قوت و ظرائف فرهنگی.
۵. و سرانجام، کمک به راه‌اندازی مراکز کشورشناسی (ایران‌شناسی و...) و ایجاد این کرسی در دانشگاه‌های معتبر جهان در کنار ارائه فرصت‌های مطالعاتی کوتاه مدت به کارشناسان دانشگاهی و علاقه‌مندان به فرهنگ و ادب کشور متبوع با هدف جذب نخبگان و اصحاب فکر و اندیشه از کشورهای جهان.

منابع

- برگر، پترل و توماس الکن (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه شناسی شناخت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- حسن خانی، محمد (۱۳۸۴). دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها، دانش سیاسی، ۱(۲)، ۱۴۸-۱۳۵.
- لی، میانگ جانگ (۱۳۹۰). قدرت نرم چین: استراتژی چین در حال ظهور در سیاست بین‌الملل، ترجمه اصغر قهرمانپور بناب، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- متقی، ابراهیم و افسانه رشاد (۱۳۹۰). نقش قدرت نرم در گسترش بیداری اسلامی خاورمیانه، راهبرد دفاعی، ۹(۳۳)، ۳۶-۱.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳). سازه انگاری به عنوان فرا نظریه روابط بین‌الملل، سیاست، ۶۵، ۵-۱۲۴.
- A. Hopf, T(1998). "The Promise of Constructivism in International
B. J.Lepgold and M. Nincic, Beyond the Ivory Tower: International
C. Price, R.M and C.Reus-smit(1998). "Dangerous Liasons? Critical International Theory and Constructivism", European journal of International Relations, 4,3, pp. 61-259.
D. Onuf, N.G(1989). "World of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relations", Columbia: University of South Carolina Press
E. Ruggie, J.G.(1998). "Constructing The World Policy: Essays on International Institutionalization", London and New York: Rutledge
F. Smith, S(2001). "Reflectivist and constructivist Approaches in International Theory", in Baylis and smith, (eds), The Globalization Of World Politics, 2nd edition ,Oxford and New York: Oxford University Press
G. P.R. Viotti and M.V. Kauppi(1999). International Relation Theory: Realism. Pluralism and Beyond. Bostan: Allyn and Bacon, H. Wendt "Anarchy is what states make of it: the social construction of Power politics, in Viotti and Kauppi.
Relations Theory", International security, 23, 1.
Relations theory and the Issue of Policy Relevace. Newyork: Colombia University press 2001.